روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

سه‌شنبه ۲۵ فروردین ۱۳۹۴ ■ ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۴۳۶ ■ ۱۴ آوریل ۲۰۱۵ ■ سال هفتم ■ شماره ۱۵۷۵ ■ ۱۶ صفحه ■ ۵۰۰ تومان

■ سال دولت و ملت، همدلی و همزبانی

VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.07 ■ No.1575 ■ Tue.Apr.14, 2015 ■ ISSN:2008-2886

وزیر ارشاد پس از انتقادات گسترده رسانه‌ها و فشار افکار عمومی خبر داد

تعلیق عمره تا مجازات مجرمان

صفحه ۲

فرمانده کل سپاه از واقعیت اظهارات نسنجیده و جنجالی هاشمی پرده برداشت

محاکمه دانه‌درشت‌ها صداها را بلند می‌کند

صفحه ۲

صدّامک!

پسر پادشاه بیمار سعودی با مانور جنایت در یمن به‌دنبال قبضه قدرت در شبه جزیره است

شروین طاهری: این روزها در دربار سعودی همه درباره یک «بچه» پچ‌پچ می‌کنند. ریش سفیدان ناراضی سعودی او را «طفیله سلمان» نام نهاده‌اند، چرا که در متزلزل‌ترین دوران، او سربار نظام سلطنتی شده و با خیره‌سری‌ها و ندانم‌کاری‌هایش پادشاهی عربستان را به سوی هرج و مرج پیش می‌برد.

درست است که نزول سعودی با خبر مرگ عبدالله آخرین فرزند مقتدر عبدالعزیز بن سعود و جانشینی برادر ۷۹ ساله‌اش سلمان که دچار بیماری زوال عقل است، قابل پیش‌بینی می‌نمود اما کمتر کسی تصور می‌کرد پسر ۳۴ ساله شاه جدید (وزیر دفاع و رئیس دیوان پادشاهی) در نقش یک کاتالیزور، فرآیند نزول را چنین شتاب بخشد. محمد بن سلمان کشتی ترک برداشته آل‌سعود را که تا چند ماه پیش در نهایت محافظه‌کاری هدایت می‌شد، با سرعتی جاه‌طلبانه به یک غائله جنگی از پیش‌باخته کشاند.

از ۲۸ مارس (هشتم فروردین) همزمان با آغاز حملات هوایی به صنعا و دیگر نقاط یمن، محمد بن سلمان، جوان‌ترین و بی‌تجربه‌ترین وزیر دفاع جهان با حضور در ستاد مشترک ارتش سعودی یا در بالگرد در کنار فرماندهان جنگ یا در مرکز عملیات نیروی هوایی سعی دارد تصویری حماسی از یک رهبر مقتدر عربی از خود بسازد که بی‌گفت‌وگو از شخصیت صدام الهام گرفته شده اما موج پوسترها و تصاویر غلوآمیزی که از این «نیمچه صدام سعودی» در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد هیچ پشتوانه‌ای در عالم واقع نداشت و با مضحکه رسانه‌های جهانی مواجه شد. او حالا در دنیای رسانه به «بچه پوستری» (Poster Boy) شهره است نه حتی شاه در سایه و همه‌کاره سعودی‌ها. پسر سلمان که می‌داند با مردن یا زوال عقل کامل پدر تاجدارش همانند متعب، پسر عبدالله از سلسله مراتب حذف خواهد شد، از ابتدا بیش از آنکه به دنبال انجام اقدامی موثر در یمن در جهت منافع مشترک غرب و آل‌سعود باشد، در خیال عکس انداختن در نقش فرمانده یک ائتلاف بزرگ عربی و گذاشتن روی صفحه اینستاگرامش بود. امروز درمی‌یابیم تصور او از بازی تاج و تخت چنان کودکانه بوده است که نهایت آمالش از توحش علنی در یمن، شوراندن نسل جدید آل‌سعود و عربستانی‌های جوان علیه قدرتمندان پیر یا میانسال در قالب یک کمپین پوستری در شبکه‌های اجتماعی بود تا بلکه دیکتاتوری یک‌نفره‌اش را در راس یکی از پیچیده‌ترین حکومت‌های قبیله‌ای جهان بنا کند. پسر شرور شاه بیمار ظرف کمترین زمان ممکن از نوجوانی که در دربار سعودی به هرزگی شهره بود به بالاترین رده‌های قدرت رسیده و تصور نمی‌کرد فعال کردن موج جدید در استبدادزده‌ترین کشور عربی می‌تواند به معنای پایان حاکمیت آل‌سعود از جمله خودش نیز باشد. واکنش حاکم ابوظبی و ولیعهد امارات عربی متحده به انتصاب این بچه در سمت وزارت دفاع عربستان نشان می‌دهد در داخل خاندان سعودی اختلافات بر سر ترکتازی محمد بن سلمان باید بسیار شدیدتر از این باشد و سر برآوردن شکاف‌ها و زلزله نهایی تنها نیازمند زمان است.

■ کودتای طفیلی

«طفیله دارد کودتا می‌کند...» این پچ‌پچ‌های درگوشی سعودی‌هایی است که روز به روز به شمارشان افزوده می‌شود، از جمله پسران عبدالعزیز که همگی در پیرانه‌سری خود را خارج از بازی تاج و تختی می‌بینند که پدرشان حدود ۷ دهه پیش در حجاز به ارث گذاشت. برخلاف تبلیغات رسانه‌ای و دستگاهی العربیه و روزنامه‌های چاپ پایتخت، رویکرد طیفی از شخصیت‌های خاندان در حال زوال سعودی در قبال جنگ با یمن به هیچ‌وجه حماسی و حاکی از غرور ملی نیست.

نخستین قربانی پسر سلمان قطعا متعب، پسر شاه پیشین و رئیس گارد ملی است که با افزایش اختیارات وزیر دفاع (محمد بن سلمان) به بهانه جنگ یمن، جایگاه نظامی‌اش را ازدست می‌دهد و گارد او نیز از رده خارج خواهد شد تا دیگر اثری از داعیه‌دار تاج و تخت عبدالله باقی نماند. در مرحله بعدی نوبت ولیعهد و ولی ولیعهد می‌رسد که طعم کودتای خزنده «بچه» را بچشند.

در بلبشوی برپاشده از جنون «شاه‌بازیِ» پسر سلمان، شاه آلزایمری عربستان، آل‌سعود شقه‌شقه شده، آبستن حوادث بسیار است. حالا حتی مقرن بن عبدالعزیز، ولیعهد تشریفاتی و تقریبا خلع ید شده نیز با رفتار تمامیت‌خواهانه محمد بن سلمان، پسر خام و مغرور ملک سلمان به جمع پیران پچ‌پچ‌کننده بالا پیوسته است. حتی وضع محمد بن نایف، ولی ولیعهد و وزیر کشور که از بهمن ماه گذشته با خبر مرگ عبدالله در به قدرت رسیدن سلمان موثر بود و بخشی از قدرت حاکمه را در اختیار گرفت نیز چندان تعریفی ندارد به‌طوری که در گرد و خاک به‌پا شده توسط طفیلی شاه به بهانه جنگ از پیش شکست خورده یمن، مهم‌ترین مهره آمریکا در ریاض نیز رویای خود برای تبدیل شدن به نخستین پادشاه از نسل نوه‌های عبدالعزیز، بنیانگذار حکومت سعودی را در حال بر باد رفتن می‌بیند.

قطعا محمد بن نایف سیاستمدارتر از آن است که به انتظار حذف خود توسط «بچه» بنشیند. در نتیجه در کاخ سلطنتی «روضة الخریم» در ریاض، آل‌سعود انتظار کودتایی احتمالی را می‌کشند.

■ بن‌بست یمن

مثل همیشه یمن لقمه‌ای بود که در گلوی حاکمان ریاض گیر کرد. یمن در ظاهر فقیرترین کشور جهان عرب اما گلوگاهی بسیار حیاتی برای کل جهان است. اهمیت تنگه باب‌المندب که برای هزاران سال جزئی از محدوده کشور باستانی یمن بوده است، تنها به عبوردادن حدود ۴ میلیون بشکه نفت در روز مربوط نمی‌شود بلکه این تنگه بسیار استراتژیک و جزیره یمنی میون که در میان آن قرار دارد، دست‌کم بر نیمی از تجارت دریایی میان ۲ نیمکره غربی و شرقی جهان اثر می‌گذارد. پس حاکمان ریاض نمی‌توانند تنها به صرف اینکه خاک یمن را به چشم عمق استراتژیک شبه‌جزیره حجاز نگاه می‌کنند باعث اختلال در گلوگاه آبی مجاور آن شوند.

کمتر کسی به این نکته توجه کرده که باب‌المندب در عربی به معنای دروازه اندوه یا دروازه اشک‌هاست. امروز هم ائتلاف عربی- غربی سلطه بر این تنگه را به قیمت خون و اشک هزاران یمنی بی‌گناه می‌خواهد اما کار دوران همیشه اینگونه نمی‌ماند و بعید نیست بزودی این باب‌المندب باشد که اشک خاندان جائر سعودی و اربابان صهیونیست‌شان را درآورد.

محمد بن سلمان که ۴ سال پیش تقریبا از تاریکی بیرون آمده و پا در مدارج قدرت گذاشته و حالا عملا همه‌کاره تاج و تخت پدر نیمه‌هوشیارش است، بدون در نظر گرفتن معادلات جهانی و فقط برای قدرتنمایی داخلی، از ۳ هفته پیش ماجراجویی بسیار خطرناکی را با تجاوز به همسایه جنوبی آغاز کرد که عربستان را تبدیل به عنصری نامطلوب در جهان می‌کند. ژاندارمی بی‌لیاقت که به جای آرام نگاه داشتن حوزه ماموریتش در شبه جزیره عرب و دریای سرخ از جانب آمریکا، اروپا و اسرائیل آن را به شکلی بی‌بازگشت به اغتشاش کشانده و نه‌تنها باعث نگرانی متحدان آنها که در نیمکره شرقی واقع شده‌اند مثل ژاپن، کره و استرالیاست بلکه این بهانه را برای ایران و قدرت‌های شرقی مثل چین، روسیه و هند به‌وجود آورده که در صورت لزوم به نفع خود در تنگه باب‌المندب دخل و تصرف کنند که نتیجه حتمی آن از بین رفتن موقعیت مصر و اسرائیل به‌عنوان سرپل‌های شرقی مدیترانه است.

البته این تنها سوی بیرونی ماجراست و در خود منطقه تجاوز عربستان به یمن به معنای ورود شیوخ نفتی سست‌عنصر حجاز و خلیج‌فارس به جنگی است که هرگز تجربه آن را نداشته‌اند.

از شیشه‌ای بودن قصر شیخ‌نشین‌های کویت و بحرین و امارات و قطر به‌عنوان همدستان جنایت‌های اخیر سعودی‌ها در یمن که بگذریم، عربستان نیز صرفا به‌واسطه دلارهای بی‌حساب نفتی و قرار گرفتن قبله مسلمانان در خاکش، خود را قدرت اول جهان عرب تصور می‌کند اگرنه هیچ‌گاه در جنگ بزرگی شرکت نداشته و حتی از جنگ‌های کوچک منطقه‌ای نیز گریزان بوده است. عربستان نخستین کشور عربی بود که از جنگ با اشغالگران صهیونیست پا پس کشید و در زمان اوج اقتدار صدام هم باج‌گزار دیکتاتور عراق بود. تنها جنگ مستقیمی که آنها تجربه کرده‌اند رویارویی با شیعیان حوثی در شمال یمن بوده است که نتیجه لشکرکشی‌های ۱۰ ساله آنان به این منطقه کویری و کوهستانی چیزی جز عقب‌نشینی مفتضحانه ۲۰۱۰ و تبدیل شدن حوثی‌ها به جنبش انقلابی بزرگ انصارالله نبود که حالا شاهدیم دولت مرکزی صنعا و بخش‌های عمده یمن از جمله بندر مهم عدن را در کنترل خود دارند.

مقاومت بی‌نظیر مردم یمن در مقابل اشغالگران خارجی که طی یک قرن اخیر باعث شده این کشور ضعیف با همه مشکلاتش مستقل بماند، ریشه‌ای تاریخی و اقلیمی دارد. یمنی‌ها در اعتقاداتشان بسیار راسخ هستند و از عهد سلیمان(ع) این سرزمین میراث‌دار بزرگ تمدن‌ها و ادیان توحیدی بوده است. در سابقه جنگجویی آنها همین بس که مالک اشتر و کمیل بن زیاد نخعی، ۲ سردار بزرگ صدر اسلام و هزاران سرباز سپاه اسلام که زیر پرچم علی(ع) جهاد کردند از یمن آمدند.

خاندان یمنی مذحج، چنان از اسلام حمایت می‌کردند و در راه حاکمیت آن رشادت و فداکاری نشان می‌دادند که رسول اکرم(ص) درباره ایشان فرمودند: «بیشترین افراد قبایل در بهشت، مردم قبیله‌مذحجند».

امروز هم حوثی‌ها میراث‌دار مذحج‌ها هستند. مردمانی سختکوش و معتقد که در این ۳ هفته زیر سنگین‌ترین بمباران‌های ائتلاف عربستان و همدستان به آزادسازی مناطق بیشتری از کشور از چنگ تکفیری‌ها و نیروهای وابسته به سعودی پرداختند. آنها که مشخصه‌شان بدن‌های لاغر و تکیده و آفتاب‌سوخته با پوشش عمامه و ردای باستانی یمنی و خنجرهای تزئینی پر شالشان و صندل‌های پایشان است، قرن‌هاست با حداقل‌ها ساخته‌اند و برخلاف همسایه‌های شمالی غرق رفاه نشده‌اند و قوت لایموتی دارند و حتی مشکل کم‌آبی و تشنگی در طول روز را با گیاهی بومی به نام «قاط» که در دهان نگاه می‌دارند حل کرده‌اند.

■ سراب قدرت

یمن طی یک دهه گذشته حقیقتا ویتنام آل‌سعود بوده است چنانکه در همان سال ۲۰۱۰ آخرین لشکرکشی عربستان برای سرکوب حوثی‌ها با همکاری حکومت وقت یمن تبعاتی فاجعه‌بار برای سلطان بن عبدالعزیز، وزیر دفاع و ولیعهد وقت داشت. در حقیقت اصرار پسر و معاون او خالد بن سلطان برای لشکرکشی فضاحت‌بار به یمن بود که باعث شد سلطان همان ۵ سال پیش و قبل از مرگش جایگاه خود را از دست بدهد. آخرین جنگ یمن همچنین شکافی بزرگ در راس هرم قدرت عربستان پدید آورد، چرا که سلطان بن عبدالعزیز ولیعهد آن زمان ملک عبدالله از به راه انداختن آن همان هدفی را دنبال می‌کرد که امروز محمد بن سلمان به عنوان ولیعهد و سایه پدرش دنبالش است و آن کسب اعتباری فراقانونی در جامعه عربستان از طریق یک جنگ آسان در خاک همسایه ضعیف جنوبی و پیشی گرفتن از رقبای دیگر برای رسیدن به تاج و تخت سعودی پس از مرگ عبدالله بود. البته عبدالله فکر مقاومت حوثی‌ها و اجل زودرس خود را نکرده بود.

آن زمان متعب فرزند عبدالله و رئیس گارد ملی حتی نگذاشت یکی از نیروهایش به یمن برود. در نتیجه پس از شکست و عقب‌نشینی مفتضحانه ارتش از یمن، کینه اکثریت سدیری‌های هم‌طایفه با سلطان از اقلیت شمری‌های پشت سر پادشاه عمیق‌تر شد. شبه‌کودتای ۳ ماه پیش سلمان به محض روی کار آمدن به‌عنوان پادشاه جدید در حقیقت به بهانه تسویه‌حساب سدیری‌ها و شمری‌ها صورت گرفت، اگرچه در بطن تغییرات گسترده سلمان، اهداف پسر جاه‌طلبش نهفته است که پدر دچار اختلال حواس و بیماری قلبی‌اش را مثل عروسک خیمه‌شب بازی به بازی گرفته است.

او که تنها ۳ ماه پیش به محض اعلام رسمی خبر مرگ عبدالله با حکم پدرش به وزارت دفاع و ریاست دربار رسیده است، حساسیت آل‌سعود به نزدیک شدن انقلابیون یمن به ایران را مغتنم شمرد و پس از ۵ سال، جنگی دیگر را علیه یمنی‌ها آغاز کرد که این بار ظاهرا از ۱۰ کشور عربی، بخشی از شورای امنیت با محوریت آمریکا و اروپا و حتی ۲ کشور منطقه، پاکستان و ترکیه مشروعیت می‌گرفت. در اینکه آل‌سعود و اربابان غربی‌شان چشم دیدن یک یمن مستقل و قدرتمند با پیوندهای شیعی محکم با ایران را در یکی از دروازه‌های ترانزیت جهانی ندارند شکی نیست اما روش عجولانه، خودمحورانه، جنایتکارانه و حساسیت برانگیزی که محمد بن سلمان برای کشتار غیرنظامیان و انهدام اهداف غیرنظامی در یمن در پیش گرفت پرهزینه‌ترین روش بود. ائتلاف هوایی و دریایی تحت فرماندهی وزیر دفاع فاقد تجربه نظامی، عاجز از کنترل انقلابیون یمن، از طریق حملات هوایی دستش را به خون مردم غیرنظامی آلود، در حالی که ارتش سعودی هم در یک ائتلاف زمینی ترسوتر و تنهاتر از آن بود که با چریک‌های حوثی دربیفتد. خیلی زود ترکیه و پاکستان از ترس به جان خریدن دشمنی ایران، چین و هند در یک زمان کنار کشیدند و مصر هم با پس‌زمینه تاریخی شومی که از یمن دارد هرگز تن به حضور ارتشش در خاک این کشور نمی‌دهد.

در نتیجه درست زمانی که آمریکا، فرانسه و انگلیس برای کودک‌کشی سعودی‌ها در یمن با شراکت اسرائیل و ۹ کشور عربی هلهله می‌کشند، عربستان احساس می‌کند تنها مانده و با دستان خون‌آلود در جایگاه متهم افکارعمومی جهانی نشسته است.

تیترهای روز

چهارمین قهرمانی متوالی کشتی آزاد ایران در جام جهانی

قهرمانی در آمریکا

■ رهبر انقلاب: از اینکه فرزندان‌مان توانستند بار دیگر در عرصه بین‌المللی برای این ملت شریف افتخارآفرینی کنند خدا را شکر می‌کنم

صفحه ۱۴

مرحله جدید هزارتوی آمریکایی‌ها برای دور زدن تعهدات خود در مذاکرات هسته‌ای

بازی ایالت‌ها با تحریم

صفحه ۲

لغو ممنوعیت فروش اس ـ ۳۰۰ به ایران

صفحه ۲

گرد و خاک دوباره به آسمان استان‌های جنوب و جنوب غربی کشور هجوم آورد

سلام ریزگردهای ۹۴ به اهوازی‌ها

صفحه ۴

یادداشت روز

تحریم‌ها لغو شود یا نشود

باید برای اقتصاد برنامه داشت

■ دکتر ابراهیم رزاقی* ■

متاسفانه مسؤولان دولت به جای تکیه بر توان داخلی و بهره‌گیری از مزایا و منابع خدادادی، در تلاشند در قالب مذاکرات بتوانند منفذ ورود به جهانی شدن اقتصاد را پیدا کرده و با این رویکرد عملا دایره وابستگی خود را به دنیا گسترده کنند، در حالی که برنامه‌ها باید به گونه‌ای طراحی شود که اقتصاد ایران مسیر پویایی را در پیش گیرد و با فاصله‌گیری از خام‌فروشی منابع، همچنین تحرک‌بخشی به تولید و نیز حرکت در راستای ساخت کالاهای نهایی با ارزش افزوده لازم، نه‌تنها اقتصاد کشور از هر جهت مصون بماند بلکه بستر لازم برای اشتغالزایی و توسعه نیز در جای‌جای ایران اسلامی فراهم شود. با این روند رسیدن به این هدف سخت به نظر می‌رسد. در اینکه برداشته شدن سد تحریم‌ها و ارتباط با دنیا می‌تواند تاثیراتی را بر اقتصاد کشور به جا گذارد شکی نیست اما به چه قیمتی؟ در حقیقت تلاش دولت و تیم مذاکره‌کننده آن طی یک سال و نیم اخیر این بوده است که توافقاتی حاصل شود تا ایران با مجاب کردن آمریکا و غرب درباره رفع تحریم‌ها، پیروز میدان شود اما چنین نخواهد شد، چرا که تجربه ثابت کرده هرگاه آمریکا و همپیمانانش می‌خواهند با هدف سرمایه‌گذاری مشترک یا روابط اقتصادی با کشورهای دنیا همکاری کنند، جز منافع خود به چیز دیگری فکر نمی‌کنند. از آنجا که ایران به خودی خود دارای مزیت و منابع غنی فراوان، مواد خام متنوع و متفاوت است، دنیا اکنون بشدت نیازمند کالا و محصولات ایرانی است. پس توجه به تولید داخل و اشتغالزایی می‌تواند نسبت به روابط دیپلماسی بهتر نتیجه دهد. پیشرفت‌ها بی‌شک بدون بسترسازی مناسب برای تحرک تولید و توسعه صادرات امکان‌پذیر نیست که این موضوع با توجه به پتانسیل‌های موجود چون نیروی فراوان کار، وجود تکنیسین‌های مجرب فنی متخصص و مواد اولیه فوق‌العاده زیاد و کم‌نظیر که به‌راحتی در کشور قابل دسترسی است، می‌تواند مرتفع‌کننده مشکلات شود، کما اینکه خود شرکت‌های تولیدی و صادرکننده خارج از کشور نیز به اشکال مختلف حتی در شرایط تحریم، اقدام به داد و ستد با ایران می‌کنند.

ادامه در صفحه ۱۱